

شکفتن درمه^(۱)

مجید روانجو



«از مه تا کلمه»^(۲) مجموعه‌ای است دربرگیرنده‌ی شصت و شش داستان کوتاه از شصت و شش نویسنده‌ی گیلانی که به اهتمام رشک انگیز بهزاد موسایی و سعی چشم‌گیر نشر «دشتستان» در سال ۱۳۸۰ به بازار کتاب عرضه شده است. می‌توان «از مه تا کلمه» را از چند منظر (vision) مشخص صوری و مضمونی دید و هر بار با درکی متفاوت و به تفکیک به بازخوانی آن نشست و بی‌هیچ یقین از پیش‌رقم خورده‌ای تنها به اعتبار شناسه‌های هر یک از متن‌ها و بازیافت امروزی مؤلفه‌ها، گرایش‌های زیبایی‌شناسیک مولفین هر یک از داستان‌های این مجموعه، به کشف چند ارزشی کلیت روند داستان‌نویسی معاصر گیلان رسید؛ با همه‌ی افت و خیزها، نوسان‌های درونی، دگردیسی بطئی زبان و ساختار روایت، پندارهای رئالیستی، حقیقت‌نمایی‌های موسوم هر دوره تاریخی و حتا ایده‌های آشکار و هم‌ریخت رایج نویسندگان این خطه از نود سال پیش تا کنون.

این ویژگی بارز، گردآوری آقای موسایی را از مجموعه‌ای شتاب‌زده و حجم‌گرا به اثری سیاق‌مند، تدریجی، پیوستار و قابل دسترس در زمینه‌ی ادبیات داستانی گیلان ارتقا و اعتبار می‌بخشد؛ با همه‌ی قابلیت‌ها و گنجایش مندی‌های یک مرجع آسان و امروزی، که از طرفی می‌تواند تا حداطمینان بخشی اهل فن و تحقیق را در تشخیص و جستجوی سیر تاریخی - تکوینی داستان کوتاه گیلان و ایران یاری دهد و از طرف دیگر ما را به تقریب به یک طرز تلقی تقریباً واحد از شرایط زیست‌محیطی، زمینه‌های اجتماعی - انسانی و حتا روان‌شناسی و جامعه‌شناسی موجود در زیرساخت‌ها و رویکردهای بیرونی داستان کوتاه گیلان برساند. در این مجموعه‌ها با چهار نسل از نویسندگان و متفکرانی رویه‌رویم که ماحصل نود سال داستان‌نویسی گیلان زمین،

زاییده‌ی بخشی از آفرینش‌هنری آنان همراه با رنج روحی و التهابات درون آن‌هاست. نویسندگان این چهار نسل اگرچه گاه از نظر سنی و دوره‌ی تاریخی فعالیت، قابل تشخیص و تمایزند و اگرچه هر نسل ویژگی‌های منحصر به فردی در ساختار روایی و شکل ذهنی آفرینش شخصیت داستان دارند و اگرچه بعضاً دیدبانی و رویه‌ی فکری هر نسل قابل تفکیک است، اما می‌توان از مجموعه‌ی خصیصه‌های بنیادین فکری و آن‌دسته ویژگی‌های مسلط ساختاری و زبانی چشم پوشید که هر یک از نسل‌ها را آبخور نسل پیش و سرچشمه‌ی نسل بعد از خود می‌گرداند. آغاز یک نسل داستان‌نویسی هیچ‌گاه نمی‌تواند به منزله‌ی پایان نسل قبل باشد؛ زیرا در هم تنیدگی فرد و جامعه و تاریخ از چنان دیالکتیک تائیرگذار و تقابلی آفرینی برخوردار است که تفکیک هر پدیده‌ی ساخت‌مند زمانی مانند نسل‌ها و برهه‌های تاریخی مشخص را غیرممکن می‌سازد. دیده می‌شود که گردآورنده، نسل اول از چهار نسل متوالی داستان کوتاه‌نویس گیلان را شامل نویسندگانی می‌داند که اثر یا آثاری را طی سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۲۸ یعنی در یک فاصله‌ی زمانی چهل ساله آفریده‌اند و نسل دوم نویسندگانی را دربرمی‌گیرد که در دهه‌های سی و چهل یعنی در یک برهه‌ی بیست ساله اثر یا آثاری را پدیدآورده‌اند و نسل سوم نویسندگانی هستند که مدت بیست سال یعنی از آغاز دهه‌ی پنجاه تا اواخر دهه‌ی هفتاد اثر یا آثاری را منتشر کرده‌اند و سرانجام نسل چهارم، نسل نو قلم و جوان که حضور جدی خود را از نیمه‌ی دوم هفتاد در عرصه‌ی داستان کوتاه به اثبات رسانده‌اند و هنوز هم این حضور ادامه دارد. یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که ترجیحاً نسل را «دوره‌ی زندگی توأم با فعالیت افرادی که سن‌شان نزدیک به یکدیگر است» می‌دانند که به این ترتیب، از طرفی نویسندگانی چون فرخ لمعه و منوچهر جراح‌زاده و کاظم سادات اشکوری می‌توانند از نسل سوم داستان‌نویسی به طراز نسل دوم انتقال یابند، یا نویسندگانی چون محمد رضا پورجعفری و رضا کاظم از نسل دوم به نسل سوم داستان‌نویسی

شمال رجعت نمایند و از طرف دیگر نویسندگانی چون محمود اعتمادزاده هم به نسل اول تعلق داشته باشد، هم دوم و هم به نسل سوم. دیگر این که دوره‌ی فعالیت نسل اول چهل سال، نسل دوم بیست سال، نسل سوم بیست سال و نسل چهارم که هنوز راه درازی پیش‌رو دارد، تفکیک شده است که ممکن است با زمان لازم برای نضج، شکل‌گیری و تشخیص مطلوب یک نسل، کمی همخوانی نداشته باشد.

یک بررسی ساده‌ی آماری از مجموعه‌ی «از مه تا کلمه» اطلاعات جالب و ارزش‌مندی را برای ما به همراه خواهد داشت. این اطلاعات عددی وقتی کارآمد و قابل فهم خواهد بود که بتوان از آن‌ها نمودار و نمایه‌های تخلیص‌شده‌ای استخراج کرد. برای مثال اگر به نویسندگان نسل اول توجه کنیم

درمی‌یابیم: (جدول بالای صفحه‌ی بعد)

۱. منهای علی عمو که محل تولدش مشخص نیست، زادگاه همه‌ی نویسندگان نسل اول رشت است.

۲. منهای علی عمو که سال تولدش در دست نیست، نویسندگان نسل اول، همگی در یک برهه‌ی زمانی، بیست و پنج تا سی سال به دنیا آمده‌اند.

۳. نتایج ۱ و ۲ ما را به نتیجه‌ی سومی می‌رساند و آن این‌که: انتظار داریم زمینه و بستر سیاسی، اجتماعی و حتا تاریخی رشد شخصیت این نویسندگان و نوع نگاه آنان به زندگی، اجتماع و انسان، در آثارشان تا حد قابل تشخیصی هم‌سان و هم‌سیاق باشد.

۴. مجموعه آثار داستانی نویسندگان نسل اول به هفده عنوان می‌رسد که از آن میان، علی عمو و کریم کشاورز هر یک ۵/۸۸٪، محمدعلی افرشته ۱۷/۶۵٪، علی مستوفی ۱۱/۷۶٪ درصد و محمود اعتمادزاده ۵۸/۸۲٪ از حجم کل آثار را به خود اختصاص داده‌اند.

۵. تقریباً همه‌ی نویسندگان این نسل به غیر از نوشتن داستان، یا محقق، مترجم و روزنامه‌نگار بوده‌اند، یا نمایشنامه‌نویس و شاعر و منتقد ادبی یا مبارز سیاسی. به طوری که از درون مایه‌ی اغلب داستان‌های این نسل برمی‌آید، اصل، مبارزه‌ی همه جانبه‌ی انسانی است بابت عدالتی، فقر و مفساد اجتماعی، و فرح، عمل داستانی، شکل روایت و ساختار زبانی است؛ طوری که اغلب داستان‌ها، فضاها، شخصیت‌ها و واکنش‌های متعارفی دارند و همگی در پی یافتن یا انتقال موضوع (موضوع‌های) واحدند.

۶. داستان کوتاه «ماموریت» از علی عمو با بیش از نود سال که از نوشتن‌اش می‌گذرد هنوز

نویسنده	محل تولد	سال تولد	اثر داستانی	فعالیت‌های دیگر
علی عمو	-	-	۱	-
کریم کشاورز	رشت	۱۲۷۹	۱	محقق، مترجم
محمدعلی افراشته	رشت	۱۲۸۷	۳	روزنامه‌نگار، مبارز سیاسی، نماینده نویسنده، شاعر
محمود اعتمادزاده	رشت	۱۲۹۳	۱۰	مترجم، منقد ادبی
علی مستوفی	رشت	۱۳۰۶	۲	روزنامه‌نگار، مترجم

طراوت، ساختار و شکل روایی داستان‌های امروزی را با خود به همراه دارد. همین بررسی را می‌توان برای نسل دوم داستان‌نویسی گیلان (۱۳۲۸-۱۳۴۸) نیز دسته‌بندی کرد:

۱. نزدیک به ۷۵٪ از نویسندگان نسل دوم در رشت تولد یافته‌اند: ۱۲/۵٪ متولد رودسر، ۶/۲۵٪ متولد صومعه سرا و ۶/۲۵٪ متولد تالش هستند.
۲. نویسندگان نسل دوم همگی در یک فاصله‌ی زمانی ده ساله یعنی بین ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴ به دنیا آمده‌اند.
۳. مجموع آثار داستانی نویسندگان این نسل به سی و سه اثر می‌رسد که محمود طیار و ایراهیم رهبر هر یک با پنج اثر داستانی بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهند و نویسندگانی چون امیر منتظمی، احمد مسعودی و رضا کاظم که اثر (کتاب) چاپ شده‌ای از آنان در دسترس نیست.
۴. نویسندگان این نسل نیز مانند نسل پیشین، علاوه بر داستان‌نویسی به فعالیت‌های دیگری چون نمایشنامه‌نویسی، طنز‌نویسی، ترجمه، بوم‌شناسی و نقد همت گماشته‌اند.

۵. تنوع در موضوع، تکنیک و ساخت زبان و شکل روایت نویسندگان نسل دوم به مراتب بیشتر از نسل اول است و اوضاع اجتماعی و به‌ویژه سیاسی روز هنوز بیشترین تأثیر را بر رئالیسم موجود و جغرافیای داستانی این نسل دارد. نگره‌های فردی و به‌کارگیری تجارب شخصی و اجتماعی، سهم قابل توجهی در داستان‌های نسل دوم دارد. همین بررسی و بررسی‌های آماری - تحلیلی از این دست را می‌توان در مورد نسل‌های بعد نیز انجام داد.

بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های موجود در داستان‌نویسی گیلان با نگاهی تحلیلی به جغرافیا، آب و هوا، بسترهای اقتصادی، رویدادهای اجتماعی - تاریخی شاید ما را به گونه‌ای داستان و نوعی نگاه روایتی برساند که در یک جمع‌بست کلی‌تر بتوان آن را «داستان شمال» نامید. البته وقتی می‌شود از آن به مثابه یک ژانر مختص نام برد که با وجود احاطه‌های اقلیمی و مختصه‌های منطقه‌ای پیوستار داستان‌نویسی ایران باشد.

رئالیسم عینی در داستان‌نویسی گیلان از ویژگی‌های مشخص و چشم‌گیری است که نمی‌توان در تحلیل نهایی آن را نادیده گرفت. کمتر داستان یا داستان‌هایی را در مجموعه‌ی «از مه تا کلمه» می‌توان یافت که فضاهای شخصیت‌ها، کنش‌های داستانی و حتا اثری که بعد از خواندن آن بر مخاطب می‌گذارد عینی نباشد. ماده‌ی اولیه‌ی داستان‌های این مجموعه اغلب واقعی و دردسترس‌اند و زندگی به تناب در بن‌مایه‌ی آن‌ها جاری است و سهم مرگ و نیستی، رویا و مایخولیا و تنهایی به نسبت کم است و حتا گاه کمترین. زبان و شکل روایت از نوع تثبیت شده و رسمی با همه‌ی پای‌بندی‌اش به صرف و نحو و قواعد دستوری به‌کار گرفته می‌شود، مگر در نویسندگان نسل آخر که کوشیده‌اند روال صوری و مضمونی تازه‌ای منطبق بر نیازهای درونی، تجارب فردی، فراروی‌های زبانی، آشکال روایتی غیرخطی، شخصیت‌های چندپاره و گریز از فضاهای مرسوم تک‌ساحتی (unidimensionnel) دست دهند.

به‌طور کلی مجموعه‌ی قابل‌تامل و نظام‌مند «از مه تا کلمه» - که می‌توانست چندی کمال یافته‌تر از آن چه هست باشد - می‌تواند ما را در تحلیل و ژرف‌کاوی فهرست زیررهنمون باشد و نیز موارد ناگفته‌ای که از بضاعت این قلم‌بیرون است:

۱. هر چه از نسل اول داستان‌نویسی دور می‌شویم و به نسل چهارم نزدیک‌تر، اجتماعی‌نگاری و رمانتیسم سطحی جای خود را به فردنگاری و نوعی رئالیسم ذهنی می‌دهد.
۲. از نسل سوم به نسل چهارم (البته نه همه‌ی نویسندگان این دو نسل)، کلی‌گویی و ثوریزه‌های ساختاری روایت و شخصیت در داستان‌ها جای خود را به جزه‌نگاری و تبدیل‌های پی در پی شکل روایت و نسبیت‌حاکم بر ساختار گفتگو می‌دهد، به گونه‌ای که در بهترین حالت، جزء و کل در یک قانون‌مندی عمومی به آشتی می‌رسند. (بوطیقا).
۳. رئالیسم به منزله‌ی گرایش متکی به تفکر

- که در آثار اغلب نویسندگان نسل سوم به اوج شکوفایی خود می‌رسد - آرام آرام در آثار نویسندگانی چون حسن اصغری (۱۳۲۶- بندر انزلی)، جای خود را به نوع ژرف‌تری از رئالیسم می‌دهد که ملغمه‌ای است از مضمون‌های سیاسی و اجتماعی به اضافه‌ی حس آمیزی‌های فردی با گرایش‌های نه‌چندان پرمایه از رمانتیسم و ناتورالیسم.

۴. اغلب نویسندگان نسل‌های دوم و سوم، از بی‌پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ و به دنبال آغاز جنگ ۱۳۵۹ و درگیری‌ها و مصائب متعاقب آن به نوعی نگاه جانبدارانه و تک‌ارزشی (valent mono) در تبیین رویکردهای سیاسی و اجتماعی آن روز گرفتار آمدند که ماحصل آن چیزی نبود مگر نثرهای شتاب‌زده، گزارش‌های سطحی و مقطع‌نوشته‌های موضوعی که در آن‌ها نه ذهن و زبان داستان‌نویسی فراهم بود و نه قابلیت‌های دراماتیک. شاید یکی از علل چنین کاستی‌هایی در ادبیات داستانی ۱۳۵۸-۱۳۶۸ را بتوان چنین بازگو کرد که نویسنده‌ی آن روزوظیفه‌ی خود می‌دانست که تنها به محرک‌های بیرونی پاسخ دهد، بدون آن‌که واقعیت درهم و متلاطم آن روز را عمیقاً زیسته باشد و بنیان‌های فکری، احساسی و نوشتاری خود را با آن درگیر کرده باشد.

سخن آخر این‌که نود سال داستان‌نویسی گیلان که هم موجود است و هم مدون، حاصل نوشتن‌های بی‌وقفه و عرق‌ریزان روح نویسندگان این خطه هم‌چنان در میان و رونده و با گستره پیش می‌رود. اگرچه هنوز ناآزموده‌های بسیاری پیش رو دارد که قرار است امروز یا فردا آزموده شود و از بی‌آن تجربه‌هایی به‌بار نشینند، افزون بر مجموعه‌ی تلاش خلاقانه‌ای که امروز با عنوان ادبیات داستانی ایران از آن نام می‌بریم.

بی‌نوشت‌ها

- ۱- عنوان مجموعه شعری از احمد شاملو شاعر بزرگ ملی ایران است.
- ۲- از مه تا کلمه: نمونه داستان‌های کوتاه امروز گیلان (۱۳۸۰ - ۱۳۸۸) / به کوشش بهزاد موسایی. - نشر: دشتستان، چاپ اول، ۱۳۸۰.